

## مبانی، کارکرد و نقدی بر دکترین تفسیر علیه تنظیم کننده در قراردادهای بیمه

منصور امینی\*

حمید حمیدیان\*\*

### چکیده

قراردادهای بیمه، قراردادهای الحاقی هستند که در آن فرصت برابر مذاکراتی وجود نداشته و بیمه‌گر با شرایط اقتدارگرایانه، قرارداد را تنظیم و بیمه‌گذار ناچار از پذیرش آن به‌طور کلی یا رد آن است. این قراردادها ممکن است دارای ابهام‌هایی بوده و نیازمند تفسیر و شفاف‌سازی باشد که متأثر از خصایص انحصاری این نوع قراردادها است و هدف از این پژوهش بررسی روش تفسیر قراردادهای بیمه متناسب با ویژگی‌های اختصاصی آن است. لذا بایستی این مسئله مورد مذاقه قرار گیرد که ویژگی‌های انحصاری قراردادهای بیمه باعث چه تغییری در رویکردهای تفسیری سنتی قراردادها می‌شود. به نظر می‌رسد خصایص انحصاری این قراردادها در شکل معمول موجب ایجاد رویکردی حمایتی در تفسیر به نفع طرف ضعیف‌تر یا بیمه‌گذار می‌شود. در همین راستا، مفسرین و محاکم در پی ترمیم وضعیت نابرابر قراردادی و یک‌طرفه بودن قراردادهای بیمه به دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر توسل می‌جویند. دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر، همان دکترین تفسیر علیه تنظیم‌کننده قرارداد است که این روش در آیین‌نامه شماره ۷۶ شورای عالی بیمه ایران نیز مقرر شده است. البته در کنار آثار مثبت اعمال این دکترین، از انتقادات وارد بر این دکترین از جمله ناکارآمدی تفاسیر، قطعی نبودن و عدم ثبات، بالا رفتن دشواری قرارداد و در نهایت، افزایش چشم‌گیر هزینه‌های بیمه برای بیمه‌گذار نمی‌توان چشم پوشید. تدوین دقیق نحوه تفسیر قراردادهای بیمه و افزودن نظارت‌های قانونی بر نحوه تنظیم و اطلاع‌رسانی به بیمه‌گذار موارد پیشنهادی نگارنده پیرامون موضوع بحث است.

**واژگان کلیدی:** دکترین تفسیر علیه تنظیم‌کننده، دکترین ثانویه، قراردادهای الحاقی، قراردادهای بیمه، ظاهرگرایی حقوقی.

\*عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران

\*\*دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شیراز و مدرس دانشگاه حکیم سبزواری

## سرآغاز

علی‌رغم تفاوت‌های ساختاری در نظام حقوق کامن‌لا و رومی ژرمنی، در عمل به دلیل مبانی حقوقی و اقتصادی مشترک در تفسیر قراردادها، همان‌طور که محققان اشاره کرده‌اند در عمل، رویه تفسیری این دو نظام به هم نزدیک است (سربازیان و رستم‌زاده: ۱۳۹۵: ۱). در تفسیر قراردادهای بیمه در کنار روش متعارف تفسیری قراردادها از دکترین نوین یا ثانویه استفاده می‌شود. دکترین نوین یا ثانویه تفسیر قراردادهای بیمه، قواعدی است که در درجه دوم و پس از اعمال دکترین اولیه، اعمال می‌شود. دکترین اولیه در تفسیر قراردادها یا به عبارتی همان اصول سنتی تفسیر قراردادها، در پی یافتن اراده و قصد مشترک طرفین است، در حالی که دکترین ثانویه الزاماً برای پی بردن به قصد مشترک طرفین ایجاد نشده است اما می‌توان در فرآیند تفسیر از آن‌ها استفاده کرد. دکترین نوین تفسیری در پی رفع و ترمیم وضعیت نابرابری است که به دنبال ویژگی‌های قرارداد یا قدرت انحصاری یکی از طرفین قرارداد بروز کرده است و باعث رفع نابرابری در قرارداد می‌شود و از طرف ضعیف‌تر قرارداد که معمولاً بیمه‌گذار است، حمایت می‌کند؛ لیکن اعمال این قواعد باید به این شکل باشد که ضمن اعمال دکترین سنتی هنوز ابهام باقی مانده باشد و همچنین باید وضعیت نابرابری و یا مبانی آن نیز ثابت شود.

دکترین تفسیر، به زبان تنظیم‌کننده سند یا پیش‌نویس‌کننده سند یا بیمه‌گر یکی از انواع دکترین نوین و ثانویه در تفسیر قراردادهای بیمه است. قاعده مزبور تنها در جایی به کار می‌رود که با استفاده از ادله دیگر نتوان ابهام موجود در قرارداد را رفع کرد؛ بنابراین اگر به هر نحوی بتوان با احراز قصد مشترک طرفین از قرارداد رفع ابهام کرد، استناد به قاعده مزبور غیرممکن است، زیرا اجرای آن در حقیقت آخرین راه‌حل در تفسیر قرارداد محسوب می‌شود. (موسوی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۹۹).

در پژوهش پیش رو، نخست به بررسی ماهیت دکترین تفسیر علی تنظیم‌کننده یا بیمه‌گر پرداخته می‌شود و سپس منشاء و سیر تحول تاریخی این دکترین مورد مذاکره قرار می‌گیرد. در مباحث بعدی ضمن بررسی مبانی اعمال این دکترین به بررسی اشکال

و نحوه اعمال این دکترین پرداخته می‌شود و نهایتاً جایگاه حقوقی این دکترین در نظام حقوقی ایران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

### ۱. ماهیت دکترین تفسیر علیه تنظیم کننده

در حقوق قراردادهای، قاعده‌ای با عنوان «تفسیر علیه تنظیم کننده»<sup>۱</sup> وجود دارد که بعضاً در برخی فرهنگ واژه‌های حقوقی فارسی و برخی مقالات (سربازیان و رستم‌زاده: ۱۳۹۵: ۱)، تفسیر علیه انشاکننده قرارداد، معنا شده است (آقایی، ۱۳۸۷: ۳۲۲). دکترین «تفسیر علیه تنظیم کننده» در زبان لاتین با عنوان «Contra Proferentum» شناخته می‌شود؛ لغت «Contra» به معنی علیه یا ضد و آن را معادل کلمه انگلیسی «Against» دانسته‌اند و کلمه «Proferentum» به معنی پیشنهادکننده یا پیش‌نویس‌کننده که برخی معادل کلمه «Drafter» به معنی تنظیم کننده سند یا به تعبیری پیش‌نویس کننده سند می‌دانند (D k (Srustrova, 1998: 243).

البته ترجمه عبارت لاتین «Contra Proferentm» به «Against Drafter» خیلی صحیح به نظر نمی‌رسد. این واژه در حقیقت علیه طرف پیش‌نویس کننده یا علیه پیشنهادکننده<sup>۲</sup> یا علیه طرف ایجادکننده<sup>۳</sup> معنی می‌دهد. البته همیشه فرم پیشنهادی قرارداد را پیشنهاددهنده نمی‌نویسد و گاهی فرمی که توسط اشخاص دیگر نوشته شده است مورد استفاده دیگران قرار می‌گیرد. به طور مثال، ممکن است یک طرف قرارداد از فرم‌های آماده شده توسط یک گروه صنعتی استفاده کند؛ در چنین موردی، طرف با پر کردن مکان‌های خالی و با منطبق کردن مطالبات و نیازهای طرفین با قرارداد از پیش آماده شده آن را تغییر می‌دهد و آن را به طرف مقابل پیشنهاد می‌دهد. لذا در خیلی از موارد طرفی که سند را آماده می‌کند، پیش‌نویس کننده نیست بلکه صرفاً «پیشنهاددهنده» است. لذا در این موارد بین حقوقدانان اختلاف ایجاد شده است که آیا دکترین تفسیر علیه پیش‌نویس کننده در این موارد نیز بر کسی که قرارداد را آماده کرده است اعمال می‌شود

1. Contra Proferentm  
2. Against The Party Proffering  
3. Against The Party Making

یا خیر. در نتیجه، علی‌رغم تفاوت‌هایی که مشاهده می‌شود این دکترین در اغلب متون به دکترین تفسیر علیه تنظیم‌کننده یا تفسیر علیه پیش‌نویس‌کننده تعبیر شده است (Torbert, 2014:18)؛ لیکن از این جهت که پیشنهاددهنده نیز لزوماً ممکن است تنظیم‌کننده نباشد، بهترین تعبیری که می‌توان برای این دکترین در زبان فارسی به کار برد تفسیر علیه تنظیم‌کننده است، زیرا دربرگیرنده تمامی موارد یعنی پیشنهادکننده، آماده‌کننده و پیش‌نویس‌کننده است.

به موجب دکترین تفسیر علیه تنظیم‌کننده، در صورت وجود ابهام در قرارداد، ابهام باید به نحوی رفع می‌شود که به زیان تنظیم‌کننده پیش‌نویس قرارداد یا شرط مورد نظر باشد. همچنین در اعمال این دکترین ابتدا باید متعهدله و یا مشروط له معین شود، در حالی که در اجزای مختلف قرارداد مفهوم متعهد و متعهدله قابل تغییر خواهد بود. (موسوی و دیگران، ۱۳۹۱:۲۰۰) در حقوق بیمه، بیمه‌نامه‌ها در یک فرم نمونه و استاندارد نوشته می‌شوند و این فرم‌ها توسط بیمه‌گران یا مشاوران حقوقی آن‌ها تدوین و تنظیم می‌شود، بنابراین پیش‌نویس‌کننده و تنظیم‌کننده قرارداد بیمه، بیمه‌گر است؛ لذا قاعده تفسیر ابهام‌ها سند بیمه علیه تنظیم‌کننده قرارداد، به عنوان دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر یاد می‌شود. در این مقاله نیز چون غالباً تنظیم‌کننده قرارداد بیمه‌گر است، از آن به عنوان دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر یاد می‌شود؛ بنابراین در صورت وجود هرگونه اجمال یا ابهام در سند بیمه، این اجمال یا ابهام علیه تنظیم‌کننده سند یعنی همان بیمه‌گر تفسیر می‌شود. این قاعده، چنانکه کمیسیون اصلاح حقوق استرالیا<sup>۱</sup> گفته است حمایت از بیمه‌گذار در برابر جهل او از بسیاری از شروط بیمه بوده است (D.k.Srusrstrova:1998:244). این دکترین یکی از بارزترین اصول حقوق بیمه در آمریکا و انگلیس است (Ware:1998:1463). این قاعده علاوه بر کشورهای انگلیس و ایالات متحده آمریکا، در حقوق سایر کشورها نیز آمده است؛ به طوری که ماده 30 قانون بیمه جمهوری خلق چین مقرر می‌دارد: «چنانچه اختلافی بین بیمه‌گر و پیشنهاددهنده، بیمه‌گذار یا ذینفع بیمه بر سر شروط و تعلیقات قرارداد بیمه حادث شود؛ دادگاه خلق یا

مرجع داوری این شروط و تعلیقات را به نفع بیمه‌گذار و ذینفع بیمه تفسیر خواهد کرد». این حکم از قانون بیمه جمهوری خلق چین، حمایتی بیش از قاعده تفسیر ابهام و اجمال علیه تنظیم‌کننده به بیمه‌گذار و ذینفع بیمه عرضه می‌دارد در صورتی که حمایت این چنینی از بیمه‌گذار در هیچ‌یک از کشورهای کامن لا وجود ندارد. همچنین ماده ۳۶ قانون قراردادهای بیمه کشور استرالیا، مصوب سال ۱۹۸۴ میلادی مقرر می‌دارد هرگونه ابهام و اجمال در مقررات و آیین‌نامه قرارداد بیمه باید علیه بیمه‌گر رفع و رجوع شود و بنابراین قاعده تفسیر ابهام و اجمال موجود در سند بیمه علیه بیمه‌گر را بر مقررات و آیین‌نامه‌های حاکم بر قراردادهای بیمه نیز اعمال می‌کند (D.k.Srastrova:1998:244). در نهایت، در حقوق بیمه ایران این دکترین در آیین‌نامه شماره ۷۱ تحت عنوان آیین‌نامه حمایت از حقوق بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آن‌ها مصوب ۱۳۹۱ شورای عالی بیمه مورد اشاره قرار گرفته است که به آن پرداخته می‌شود. همچنین ماده ۴-۶ مبحث تفسیر در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در باب تفسیر قرارداد این اصل مورد اشاره قرار گرفته است (اخلاقی و امام، ۱۳۹۵: ۱۸۵).

## ۲. منشاء و سیر تحول دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر

این که ابهام‌ها در متن قرارداد باید علیه پیش‌نویس‌کننده تفسیر شود از حقوق روم نشئت می‌گیرد، اما عبارت<sup>۱</sup> «Contra proferentm» ابداعی از مفسرین قرون وسطی است. در حقوق روم این عبارت را به کار نمی‌بردند و هیئت‌های منصفه این اصطلاح خاص را به این طریق بیان می‌کردند که شروط مبهم علیه طرفی که آن را به معامله آورده است، تفسیر می‌شود. این دکترین ریشه در حقوق مذهبی<sup>۲</sup> دارد و در قرون وسطی در توافقاتی یک‌طرفه مثل قرض، توسط فیلسوف این دوران بارتلوس<sup>۳</sup> پیشنهاد شد و در این قراردادها هر جا ابهامی وجود داشت علیه بستانکاران تفسیر می‌شد و بعدها توسط فرانسیس بارکن<sup>۴</sup> متفکر قرن ۱۷ میلادی این دکترین قوت بیشتری یافت

1. Verba Fortius Accipuntur Contra Peroferetem

2. Sacral Law

3. Bartolous

4. Fancis Barcon

(Horton:2009:7). لازم به ذکر است که این دکترین یک قاعده کمکی تفسیر بود و به عنوان آخرین راه حل<sup>۱</sup> استفاده می شد که مبتنی بر حمایت از طرف ضعیف تر در قرارداد بود.

بعد از قرن ۱۵ میلادی در حقوق کامن لا و انگلیس این فرض را بر قراردادهای تجاری، زمانی که قدرت یکی از طرفین در تعیین شروط قرارداد و تنظیم قرارداد نامتعادل بود اجرا می شد؛ اما علاوه بر لزوم اثبات عدم تعادل قدرت، یکی از محققان ضرورت دیگری نیز برای این دکترین پیشنهاد داد که دکترین تفسیر علیه تنظیم کننده، مبتنی بر مکتب خردمدارانه است و کوششی در محتاط کردن افراد در کسب و کار خودشان است؛ به این معنی که تنظیم کننده قرارداد باید احتیاط بیشتری در تنظیم قرارداد کند والا خودش بار بی احتیاطی را باید به دوش بکشد.<sup>۲</sup> که به نظر می رسد مبتنی بر تئوری تعهد به احتیاط و مراقبت<sup>۳</sup> در حقوق کامن لا است.

شایان ذکر است این دکترین در اصول حقوق قراردادی اروپا<sup>۴</sup> و در مؤسسه بین المللی یکسان سازی حقوق خصوصی<sup>۵</sup> هم درج شده است (Torbert,2014:18-19). رویه قضایی ایالات متحده امریکا نیز با رویکردی سخت و انعطاف ناپذیر، صرفاً در مواقعی که دکترین اولیه و دیگر قواعد تفسیری رایج راه به جایی نمی برد، اعمال این دکترین را مناسب می داند (Horton,2009:7).

در اواسط قرن ۱۸ زمانی که با بیمه نامه های دریایی از قهوه خانه لویدز صنعت بیمه متولد شد، قراردادها با قدرت مذاکره ای برابر در یک فضای کنترل شده مورد مذاکره قرار می گرفت؛ لذا در صورت وقوع اختلاف و اقامه دعوا، متن قراردادهای بیمه مدنظر قرار گرفته می شد و بیمه گذاران از مزایای رسیدگی قضایی طرفی نمی بستند (Miller,1998:1850)، زیرا بیشتر دادگاه ها با قراردادهای بیمه مانند دیگر قراردادها برخورد می کردند؛ اما به تدریج در ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۷۹۰ شرکت های بیمه

---

1. Last Resort  
 2. Roger Bacon  
 3. Duty of care  
 4. European Contract Law  
 5. Unidroit

یا با یکدیگر ادغام یا به ثبت رسیدند و در همین زمان بیمه آتش سوزی به مالکان عرضه شد. پس از این تغییر و گشوده شدن بازار بیمه آتش سوزی، دادگاه‌ها با وضعیت نابرابر علیه بیمه‌گذار مواجه شدند؛ به این ترتیب که بیمه آتش سوزی توسط شرکت‌های قوی و با قدرت اقتصادی بالا صورت می‌گرفت و شرکت‌های بیمه بزرگ و قدرتمند با مشارکت نمایندگان متخصص، فرم‌های استاندارد را تهیه می‌کردند و همچنین انواع قراردادهای در دسترس آن‌ها بود که افراد غیرحرفه‌ای نسبتاً از آن محروم بودند. دادگاه‌های نگران این وضعیت بالقوه برای شرکت‌های بیمه و امکان سوءاستفاده آن‌ها و وضعیت شکننده بیمه‌گذاران در پی ابزاری بودند تا به وسیله آن بتوانند پوشش وسیع بیمه‌ای برای بیمه‌گذاران در بیمه آتش سوزی فراهم آورند (Horton, 2009:8).

به این ترتیب دادگاه‌ها معتقد بودند قاعده تفسیر علیه تنظیم‌کننده در تفسیر قراردادهای، برای ایجاد یک موقعیت برابر میان طرفین مناسب به نظر می‌آید و تفسیر علیه تنظیم‌کننده به عنوان آخرین چاره زمانی مدنظر دادگاه قرار می‌گیرد که دادگاه پس از بررسی تمامی اوضاع احوال پیش رو، مکاتبات، هرگونه توافق قبلی بین دو طرف و عرف محلی، عام، فنی و تجاری واژه‌های مورد اختلاف نتواند ابهام را با دکترین اولیه برطرف سازد و در مضیقه و تنگنا قرار گیرد؛ در این صورت این دکترین به کار بسته می‌شود. البته همان‌طور که متعاقباً اشاره خواهد شد بر سر اعمال دکترین با در نظر گرفتن دکترین اولیه و یا شرایط برابر یا نابرابر مذاکراتی و یا اعمال مطلق و مستقیم دکترین بدون در نظر گرفتن این موارد، بین دادگاه‌ها اختلاف بود تا حدی که برخی قاعده رفع ابهام قراردادهای بیمه را صرفاً دکترین تفسیر علیه تنظیم‌کننده یا بیمه‌گر می‌دانستند (Miller, 1998:1850-1853). در هر حال، با تخصصی شدن و به وجود آمدن صنعت بیمه و ابداع قراردادهای الحاقی در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، این دکترین در قراردادهای الحاقی بین شرکت بیمه و بیمه‌گذار اعمال شد و توسعه یافت (Torbert, 2014:19).

### ۳. مبانی دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر

به لحاظ فلسفی، دکترین تفسیر علیه بیمه در چارچوب دو رویکرد فلسفی ظاهرگرایی و کارکردگرایی قابل بررسی است. همچنین به جهت حقوقی و اقتصادی، خصایص بیمه‌نامه‌ها، وضعیت قراردادی طرفین و عوامل قراردادی و غیر قراردادی، بستر تئوریک ظهور چنین سازوکاری را در تفسیر قراردادهای بیمه فراهم می‌آورد که این عوامل ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۳-۱. مبانی فلسفی

مبنای فلسفی دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر، ظاهرگرایی یا شکل‌گرایی<sup>۱</sup> است که مکتبی قضایی در حقوق قراردادهای محسوب می‌شود و برای اولین بار توسط فیلسوف انگلیسی، جان آستین<sup>۲</sup> شناخته شد و بعداً توسط محققان قضایی انگلیس از جمله کریستف کلمب لانگدل<sup>۳</sup> و جوزف هنری<sup>۴</sup> بسط و گسترش داده شد. این دیدگاه در حقوق قراردادهای و حقوق بیمه آمریکا نیز اهمیت داشت و در حقوق بیمه توسط ساموئل ویلستون<sup>۵</sup> بسط یافت (Swisher, 1991: 1039). سنگ بنای این دیدگاه در حقوق بیمه، نگرش ظاهرگرایانه ویلستون از تفسیر قراردادهای بیمه است. بر اساس دیدگاه وی، بیمه‌نامه باید بر اساس اصول عمومی که در حقوق قراردادهای وجود دارد تفسیر شود و هر قیدی که با رضایت بیمه‌گذار در بیمه‌نامه قید می‌شود تا زمانی که واضح و بدون ابهام باشد و با نظم عمومی در تضاد نباشد معتبر است و لذا دادگاه‌ها نمی‌توانند متن بیمه‌نامه را بدون داشتن ابهام واضح و مکتوب تغییر و تعدیل و تفسیر مجدد کنند. چیزی که به عنوان یک قاعده در این دیدگاه وجود دارد این است که متن بیمه‌نامه وقتی معنایش واضح است، نیازی به توسل به قواعد تفسیر نیست؛ مگر اینکه ابهامی وجود داشته باشد (Swisher, 1996: 544-546) و در صورت وجود ابهام، به موجب قاعده

---

1. Formalism  
 2. John Austin  
 3. Christopher Columbus Langdell  
 4. Joseph Henry Beale  
 5. Samuel Williston



تفسیر علیه تنظیم کننده، مسئولیت بر عهده بیمه‌گر گذاشته می‌شود (Shwartz,2008:111). این نگرش حقوقی در معاهدات مؤثر حقوق بیمه،<sup>۱</sup> در دانشنامه‌های حقوق بیمه<sup>۲</sup> به رسمیت شناخته شده است.

### ۲-۳. مبانی حقوقی و اقتصادی

از دیدگاه کارآمدی اقتصادی، قرارداد زمانی کارآمد تلقی می‌شود که شروط آن صریح و فاقد ابهام باشد، زیرا تنها شروط بدون ابهام‌اند که موجب اجرای قرارداد بدون تحمل هزینه ناروا و اتلاف وقت دادگاه برای تفسیر قرارداد می‌شوند. لذا به موجب این دیدگاه، دادگاه باید خود را مقید به رفع این ابهام‌ها کند و کارآمدی اقتصادی قرارداد را تقویت کند؛ بنابراین از این جهت که دکترین ثانویه قرارداد ابهام‌ها را برطرف کرده و همچنین وضعیت نابرابر را ترمیم می‌کند می‌تواند کارآمد باشد (Shwartz,2008:115)؛ اما مبانی حقوقی و اقتصادی دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر به دو دسته قراردادی و غیر قراردادی تقسیم می‌شود:

### ۱-۲-۳. مبانی قراردادی

وضعیت برخی قراردادها منجر به ایجاد شرایط انحصاری و ویژه‌ای می‌شود و محدودیت‌هایی را برای طرفین آن رقم می‌زند. منظور از عوامل قراردادی، خصایص، شرایط و وضعیتی است که در روند شکل‌گیری قراردادهای بیمه مؤثر بوده و منجر به زمینه‌ای برای اعمال دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر می‌شود. ذیلاً به بررسی این عوامل پرداخته می‌شود.

**الف. الحاقی بودن بیمه‌نامه‌ها:** امروزه استفاده از قراردادهای استانداردها در تجارت بین‌المللی، امری رایج و متعارف است. همان‌طور که اشاره شد الحاقی بودن بیمه‌نامه‌ها از خصایص عمومی آن‌هاست برخی حتی قراردادهای بیمه را قراردادهای فرا الحاقی یاد می‌کنند (Wilkerson,2011:234)؛ با این توضیح که شرایطی در قرارداد باید درج شود

1. Appleman s' Insurance Law and Practice  
2. Couch s' Cyclopedia of Insurance Law

که حتی بیمه‌گر نقشی در تنظیم آن ندارد و اجبار قانونی برای درج آن وجود دارد. مشتریان ناگزیرند یا قرارداد را در کل بپذیرند یا از آن صرف‌نظر کنند<sup>۱</sup> و از آنجایی که مشتریان، به آن کالا و خدمات نیاز داشته و مجبوراند تا قرارداد ارائه‌شده را بپذیرند و نمی‌تواند تلاشی برای تغییر مفاد قرارداد با مذاکره انجام دهند و انتخاب بین خریدن یا نخریدن پوشش بیمه است نه تغییر و تعدیل، حتی سند بیمه‌نامه را قبل از اولین پرداخت حق بیمه مشاهده نخواهد کرد از طرفی برخلاف قراردادهای استاندارد دیگر، مصرف‌کننده هیچ‌گونه منافع عینی و محسوس در آن لحظه دریافت نمی‌کند و صرفاً تعهدی مشروط یا نوعی تأمین از بیمه‌نامه در برابر هر مقدار از حق بیمه دریافت می‌کند به همین دلیل است که قراردادهای بیمه به خاطر داشتن قوه ذاتی تعدی‌گرایانه، فرد قوی‌تر را مجاز می‌سازد که با مقررره‌سازی به نحو اقتدارگرایانه در قرارداد عمل کنند؛ لذا وجود این مسئله مانعی برای تفسیر سنتی قرارداد بیمه بر اساس اصول تفسیری قرارداد یا همان دکترین اولیه (کشف قصد طرفین) است (Miller, 1998: 1854).

**ب. امانی بودن روابط بیمه‌گر و بیمه‌گذار: دادگاه‌ها بیمه‌گر را در مقابل بیمه‌گذار امین می‌دانند؛ به این شکل که بیمه‌گر امین بیمه‌گذار است که متن بیمه‌نامه را تنظیم می‌کند. بر مبنای روابط امانی، امین نباید از مسئولیت خود تعدی و تفریطی کند و در صورتی که در این رابطه افراط یا تفریطی کند، مسئول است؛ لذا ابهام در متن بیمه‌نامه اماره‌ای از نوعی تعدی و تفریط در روابط امانی است و در نتیجه توجیهی برای قواعد حمایتی به نفع بیمه‌گذار است (Fisher, 1995: 1020-1025) و این اقدامی در جهت جلوگیری از زیاده‌خواهی‌های امین یا همان بیمه‌گر است. به عبارت دیگر، بیمه‌گر به عنوان امین بیمه‌گذار عمل می‌کند و روابط آن‌ها تابع روابط امانی است. هرچند که برخی دادگاه‌ها از جمله در پرونده‌ای در سال ۱۹۸۴ رأی داده‌اند که بیمه‌گر وظیفه و تعهدی برای فراهم آوردن پوشش مناسب برای بیمه‌گذار ندارد و هیچ الزام قانونی نیز برای قرار دادن روابط بیمه‌گری و بیمه‌گذاری مشمول روابط امانی وجود ندارد**

---

1. Take it or leave it

<sup>۱</sup>.(Fisher,1995:1030)

ج. معیوب تلقی کردن موضوع بیمه: بیمه یک بازار کالا نیست، بلکه موضوعی غیرمادی و غیر ملموس است که در قرارداد بیمه منعکس شده است. متن مبهم، در واقع به مثابه عیب تولید انگاشته می شود و همان طور که تولیدکننده در قبال عیوب موجود در کالا مسئولیت دارد، بیمه گر نیز در قبال این عیب یعنی ابهام، مسئول شناخته می شود. از آنجایی که قرارداد بیمه یک نوع قرارداد مصرفی است، لذا دکترین تفسیر علیه تنظیم کننده در این حوزه همان طور که برخی اشاره کرده اند کاربرد دارد و این توجیهی دیگر جهت اعمال دکترین متفاوت و حمایتی یا ثانویه برای تفسیر قراردادهای بیمه است (Fisher,1995:1020).

د. موقعیت برتر اطلاعاتی بیمه گر: عموماً اغلب بیمه گران خبره تر و آگاه تر از بیمه گذاران هستند و این ناشی از موقعیت برتر اطلاعاتی بیمه گر است، زیرا «بیمه گر به طور مداوم به کسب و کار بیمه مشغول است، در حالی که بیمه گذار یک بازیگر اتفاقی این صحنه است» (Fisher,1995:1074). بیمه گران مدام قراردادهای را مرور و اصلاح و به روزآوری می کنند و از طرفی کمک ویژه ای که دلالتان بیمه و مدیریت کنندگان ریسک<sup>۲</sup> در زمان تشکیل قرارداد فراهم می آورند برای بیمه گذاران معمولی عموماً قابل دسترس نیست.

ه. پیچیدگی مفاهیم قراردادی و فنی: صنعت بیمه سرشار از مفاهیم و عباراتی است که برای یک بیمه گذار بیمه نامه ممکن است بسیار دشوار باشد، بیمه گران هم واژه های فنی را در جهت شفاف تر کردن بیمه نامه در قرارداد به کار می برند و این باعث پیچیدگی بیمه نامه می شود؛ بنابراین به فرض که بیمه گذار متن بیمه نامه را بخواند، فهم آن در خیلی از موارد محال است. البته این کمبود می تواند با بکار گرفتن دلالتان و وکلا برطرف شود. لیکن به غیر از معدود مواردی چون بازار بیمه لویدز که گرفتن دلالت اجباری است، بیمه گذار کمتر به مشورت دلالتان و مشاورین بیمه همت می گمارد؛ لذا

1. Gibson v. Government Employees Ins. Co. 208 Cal. Rptr. 511, 516 (Ct. App. 1984)

2. Risk Managers

این نیز می‌تواند مبنای دیگری برای توجیه دکترین ثانویه تفسیری در بیمه‌نامه است (حمیدیان، ۱۳۹۴: ۵۸).

### ۳-۲-۲. مبانی غیر قراردادی

برخی شرایط و اوضاع احوال خارجی عقود بر فرآیند تفسیر قرارداد موثر است. این شرایط از خصایص و اهداف بیمه‌نامه‌ها نشئت می‌گیرد و منجر به سوق مفسر به قواعد حمایتی در تفسیر بیمه به نفع بیمه‌گذار و اعمال دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر می‌شود که ذیلاً به آن پرداخته می‌شود.

**الف. اهداف غیر تجاری:** در قراردادهای رایج تجاری اگر اجرای قرارداد ممکن نباشد، طرفی که ناکام مانده است، غیر از خسارت و ضرر اقتصادی ناشی از نقض، متحمل استرس روحی و روانی می‌شود. قاعده عمومی این است که برای آشفستگی روحی روانی، خسارتی در نظر گرفته نمی‌شود (Fisher, 1995: 1034). در هر حال در معدود موارد، جایی که آشفستگی روحی به طور خاص وارد می‌شود و این آشفستگی روحی در پیوند با هدف اصلی قرارداد است، دادگاه به چنین خسارتی رأی می‌دهد. خرید بیمه نوعی تأمین آسایش ذهنی و امنیت روانی در برابر حوادثی است که موجب خسارت است. بیمه‌گر از این مسئله آگاهی دارد؛ بنابراین با توجه به این اهداف و انگیزه‌های غیر تجاری از تحصیل بیمه، نمی‌توان آن را معامله‌ای که هر طرف به دنبال کسب منفعت و سود قطعی از قرارداد باشد دانست؛ بلکه نوعی تأمین برای آرامش روانی در مقابل خسارت احتمالی است. لذا با توجه به هدف نهایی بیمه‌گذار، باید در پی دکترین حمایتی از بیمه‌گذار در تفسیر قرارداد بیمه بود؛ بنابراین، از مواردی که آشفستگی روانی موجب نقض قرارداد محسوب می‌شود قراردادهای بیمه هستند.

**ب. وضعیت شبه دولتی بیمه‌گر:** برخی تجارت‌ها به طور خاص، متأثر از منافع عمومی یا عهده‌دار منافع عمومی هستند. صنعت بیمه به طور خاص، تحت تأثیر یک منفعت عمومی است. مطابق رأی در امریکا در پرونده دیوید میلر<sup>۱</sup> این موضوع به

1. Munn v. Illinois, 94 U.S. 113, 126 (1876) (citing I Hargrave Law Tracts 78 (1787)).

عنوان یک اصل بیان شد که بیمه متأثر از منافع عمومی است. به عقیده دادگاه‌ها، مقررات قوه مقننه در صنعت بیمه گواه این است که بیمه «با منافع عمومی عجین شده است» که مداخله قضایی دکترین ثانویه را می‌طلبد (Miller, 1998: 1855).

**ج. بالا بردن کارآمدی تخصیص ریسک:** بیمه‌گذاران در قراردادهای بیمه غیرتجاری اغلب افرادی هستند که به لحاظ اقتصادی موقعیت نسبتاً ضعیف‌تری نسبت به بیمه‌گر دارند و تا حد زیادی تحت تأثیر خسارت بیمه نشده واقع شوند در صورتی که جبران خسارت برای بیمه‌گر از منظر تحلیل اقتصادی، ناچیز به حساب می‌آید لذا با توجه به این‌که بیمه‌گر منابع مالی مناسبی برای جبران خسارت بیمه‌گذار دارد و حجم حق بیمه دریافتی از بیمه‌گذاران سرمایه عظیمی را برای بیمه‌گر فراهم کرده است، قضات تمایل دارند فارغ از پوشش واقعی بیمه‌نامه، بیمه‌گر را مسئول جبران خسارت دانسته و پوشش بیمه‌نامه را موسع تفسیر کنند (Miller, 1998: 1855).

**د. فرض پذیرش بالفعل بیمه‌گر:** پذیرش بالفعل<sup>۱</sup> یا همان استاپل<sup>۲</sup>، مبنای دیگری برای اعمال دکترین ثانویه برای تفسیر حمایتی به نفع بیمه‌گذار است. همان‌طور که اشاره شد، بیمه‌گر موقعیت برتر اطلاعاتی نسبت به بیمه‌گذار دارد و می‌تواند مواردی که احتمالاً بیمه‌گذار می‌خواهد و یا احتمالاً به موجب دکترین ثانویه تحت پوشش قرار بگیرد را پیش‌بینی کند. لذا وقتی قراردادی را می‌نویسد این را مطلع است که بیمه‌گذاران به دنبال پوشش کافی برای خسارت احتمالی هستند و عدم پیش‌بینی آن توجیه دیگری برای اعمال دکترین ثانویه است. البته به نظر می‌رسد این توجیه بیشتر بر مبنای احتمال و حدس و در پی ترمیم وضعیت نابرابر بین بیمه و بیمه‌گذار است تا اینکه واقعی باشد (Miller, 1998: 1855).

**ه. کاهش هزینه‌های خسارت:** مبنای دیگر برای اعمال دکترین ثانویه، تأکید بر

1. Detrimental Reliance

2. Estoppel

قاعده‌ای از ادله اثبات دعوی و حقوق ماهوی در نظام کامن لا است. بر اساس این قاعده هیچ‌کس نمی‌تواند به زیان دیگری تناقض‌گویی کند. به بیانی دیگر این قاعده افراد را از انکار مطلبی که قبلاً بیان کرده‌اند یا انکار امری که در گذشته مدعی وجود آن بوده‌اند منع می‌کند. این قاعده بیشتر در حقوق بین‌الملل کاربرد داشته اما معادل آن در حقوق اکثر کشورها وجود دارد. برای مثال قاعده عدم استماع انکار بعد از اقرار در حقوق ایران نمونه‌ای از استاپل است (افتخار جهرمی، ۱۳۹۳: ۴).

نقش بیمه گر به عنوان عاملی مهم در کاهش هزینه ی زیان<sup>۱</sup> متکی است. در واقع هدف غایی بیمه، کاهش هزینه ها از طریق انتقال ریسک به گروه بزرگ تری از بیمه گذاران است. لذا قاعده تفسیری که از بیمه گذار حمایت و بیمه گذار را به عنوان جیب خالی<sup>۲</sup> تلقی می کند قابل توجیه است، زیرا بار مسئولیت را بر عهده بیمه گر می گذارد و از این طریق هدف بیمه که کاهش هزینه است برآورده می شود (Miller,1998:1475).

و. **مسئولیت مبتنی تقصیر:** شاید اصلی ترین مبنای اعمال دکترین تفسیر علیه تنظیم کننده، مسئولیت مبتنی تقصیر باشد. در قراردادهای بیمه، این بیمه گر است که قرارداد را تنظیم می کند و در صورتی که مرتکب تقصیر شده باشد، باید آثار ناشی هرگونه ابهام را بر گردن بگیرد، زیرا او به دلیل تسلطش در تنظیم قرارداد بهتر می تواند ابهام ها را به حداقل برساند (Shwartz,2008:117). تعهد بیمه گر که تنظیم کننده بیمه نامه است در مراعات تمام احتیاط و جوانب است این توجیه از منظری دیگر نیز مفید است، به این شکل که انگیزه ای به بیمه گر می دهد که خیلی کامل تر و شفاف تر نسبت تنظیم بیمه نامه اقدام کند (Burton,2009:187). لذا باید آن را به شکلی تنظیم کند که در مرحله اجرا، ابهام حاصل نشود؛ بنابراین فرض می شود مقرره های مبهم بیمه نامه، نتیجه رفتار نکوهیده توسط بیمه گر است و این که تفسیر علیه تنظیم کننده، چیزی مثل مسئولیت برای تقصیر در پیش نویسی را تحمیل می کند (Abraham,1996:534).

او در راستای این تعهد باید از عبارات و الفاظ صریح استفاده کند؛ لذا نتیجه هر ابهام، تفسیر به زیان او خواهد بود (موسوی و دیگران، ۱۳۹۱:۲۰۱).

ز. **اصل حسن نیت:** مبنای دیگری که برای اعمال دکترین تفسیر علیه تنظیم کننده بیان شده است، اصل حسن نیت است<sup>۳</sup>. در همین راستا، کمیسیون اصلاح حقوق استرالیا<sup>۴</sup> در گزارشی که در باب بیمه در سال 1982 منتشر ساخت تأکید کرد: «هر دو طرف یک قرارداد بیمه، تابع تکلیف رعایت حداکثر حسن نیت هستند. این تکلیف را

1. Cost of Harm

2. Deep Pocket

۳. اساساً بیمه با عنوان عقد حسن نیت معروف است و در نوشته های فارسی پیرامون اصل حسن نیت هم به این عقد اشاره شده است و از آن به عنوان یکی از اصول اساسی بیمه یاد شده است (ابوطالب، ۱۳۸۴: ۴۹).

4. Asturalian Law Reform Commission.

بایست مثل یک تعهد قراردادی جاری و بین متعاقدین تفسیر کرد. هیچ‌یک از طرفین عقد، حق نخواهند داشت به یک شرط قراردادی استناد جویند، اگر استناد به آن شرط به نقض تعهد به رعایت حداکثر حسن نیت ملازمه داشته باشد. این قاعده (دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر) انگیزه و مشوق کافی نزد بیمه‌گران و مشاورین ایشان ایجاد خواهد کرد تا در مقام تنظیم و نگارش اسناد بیمه دقت به خرج دهند و در استناد به شروط دقیق و سفت و سخت بیمه‌نامه‌ها عادلانه و منصفانه رفتار کنند» (D.k.Srastrova,1998:244-245)؛ لذا یکی از مبانی اعمال دکترین تفسیر علیه تنظیم‌کننده یا بیمه‌گر، فرض عدم وجود حسن نیت در تنظیم مقررره مبهم توسط بیمه‌گر است.

#### ۴. اشکال دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر

دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر، بر اساس رویه‌های قضایی موجود اشکال متفاوتی دارد؛ به این ترتیب که در برخی آرا و نظریات مشاهده می‌شود، شکل مطلق و صرف این دکترین در نظر گرفته شده است که اعمال بی‌چون و چرای این دکترین را توجیه می‌کند.

#### ۴-۱. شکل متعادل اعمال دکترین

اولین شکل اعمال دکترین، اجرای متعادل و در پرتو اوضاع و احوال است که در این شکل، نخست باید از ابزار دکترین اولیه برای تفسیر استفاده شود و همچنین شرایط برابری یا نابرابری در نظر گرفته شود و سپس در صورت احراز شرایط نابرابر و ناکارآمدی دکترین اولیه، این دکترین اعمال شود توجیه دیگری که برای مسئولیت مطلق در دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر بیان شده است، عدالت توزیعی است. لذا به دلیل این‌که بیمه‌گر موقعیت اقتصادی بهتری از بیمه‌گذار دارد، ابهام‌ها به نفع بیمه‌گذار حل شود و این ابزاری مثل مالیات و یارانه برای توزیع بهتر ثروت میان جامعه است و این شکل اعمال دکترین، یک ابزار حقوقی توزیع عادلانه ثروت است (Horton,2009:23-24).

#### ۴-۲. شکل مطلق اعمال دکترین

در شکل مطلق دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر، قرارداد بیمه باید اکیداً علیه بیمه‌گر اعمال شود بدون این که نیازی باشد که پیش از آن دکترین اولیه در جهت کشف قصد طرفین به کار برده شود و از ابزار و منابع این دکترین استفاده شود. از طرفی دیگر در اعمال شکل مطلق دکترین، حقایق قضیه و اوضاع و احوال در نظر گرفته نمی‌شود؛ به این ترتیب که در قراردادهایی که نوعی نابرابری وجود دارد، در جهت ترمیم این نابرابری باید به ابزاری متوسل شد؛ اما اعمال این شکل از قاعده توسط محاکم موجب گسترش سیاست قضایی و مداخله قضایی و اعمال سلاقی فردی، در تفسیر بیمه‌نامه‌ها خواهد شد (Shwartz, 2008: 117).

به نظر می‌رسد صرف تنظیم سند نمی‌تواند توجیه مناسبی برای اعمال شکل مطلق این قاعده باشد و ابزار کارآمد برای توزیع عادلانه ثروت به نام مالیات وجود دارد؛ لذا این نمی‌تواند توجیه مناسبی برای اعمال شکل مطلق دکترین باشد. شکل دیگر اعمال دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر، مبتنی بر دیدگاه میانه و واقع‌گرایانه است؛ به این ترتیب که در این شیوه از اعمال باید نخست دکترین اولیه و ابزار و منابع آن را در راستای کشف قصد طرفین به کار برد تا ابهام‌ها در بیمه‌نامه برطرف شود؛ لیکن اگر پس از اعمال این دکترین باز هم شروط و عباراتی بود که مستعد بیش از یک معنای معقول بود، با در نظر گرفتن وقایع و حقایق هر پرونده باید به سراغ دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر رفت. در این حالت است که می‌توان گفت قاعده تفسیر علیه بیمه‌گر در چارچوب قراردادی و معتدل خود اعمال می‌شود و قصد طرفین نیز نادیده گرفته نشده است (Shwartz, 2008: 119).

#### ۵. چگونگی اعمال دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر

دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر در وهله اعمال در تفاسیر محاکم قضایی، در چارچوب یکسری شرایط کلی و عمومی و یکسری شرایط متناسب با وضعیت طرفین در زمان انعقاد قرارداد اعمال می‌شود که ذیلاً به شرح آن پرداخته می‌شود.



## ۵-۱. شرایط کلی

مداقه در رویه محاکم، در خصوص نحوه اعمال این دکترین نشان می‌دهد وجود ابهام زمینه‌ای ضروری و لازم برای اعمال این دکترین است. البته یافتن معیارهای تشخیص ابهام دشوار است و در عمل محاکم نه تنها در مواردی که متن قرارداد اجازه چندین تفسیر معقول را می‌دهد بلکه گاهی در راستای اعمال شکل مسئولیت مطلق دکترین، حتی در مواردی که معقول‌ترین تفسیر به نفع بیمه‌گر است، باز هم این دکترین را اعمال می‌کنند. به نظر می‌رسد به لحاظ منطقی شرط لازم برای اعمال دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر، وجود ابهام در متن قرارداد از دید یک خواننده متعارف است نه خود بیمه‌گر. لذا این دکترین تنها در مواردی اعمال می‌شود که از متن قرارداد چندین تفسیر قابل برداشت است که به یک اندازه قابل قبول هستند؛ یعنی توان یکی از تفاسیر را منطقیاً بر دیگری ترجیح داد. (Shwartz, 2008: 145). نکته‌ای که لازم به ذکر است این است که اصولاً بیمه‌گری که تمام دقت لازم را به کار می‌بندد ولی امکان بیان شروط به نحو واضح‌تری ممکن نیست، نباید تحت شمول اعمال این قاعده قرار گیرد. در همین راستا، مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که آیا ابهام باید از منظر آنچه بیمه‌گر در زمان تنظیم قرارداد می‌دانسته و درک می‌کرد در نظر گرفته شود یا از منظر آنچه بعد از وقوع حادثه و بروز اختلاف مشخص شود، در عمل محاکم هیچ‌گونه تمایزی بین این حالات قائل نشده‌اند و به نظر می‌رسد که نه میزان دقت بیمه‌گر در تنظیم بیمه‌نامه و نه توانایی وی در شفاف‌تر بیان کردن متن قرارداد را در ارزیابی خود دخیل می‌دانند؛ بنابراین معیار «دقت بیمه‌گر» در تنظیم شروط قرارداد جایگاهی در رویه قضایی و در عمل ندارد؛ بلکه همان‌طور که بیان شد اعمال این دکترین مبتنی بر دلایلی هستند که اساساً بر سیاست‌های قضایی مانند حمایت از مصرف‌کننده و مباحث و مبانی حقوقی و اقتصادی است (Shwartz, 2008: 119)؛ لیکن به عقیده نگارنده اعمال شکل معتدل دکترین و بر مبنای دیدگاه میانه و واقع‌گرایانه که در بخش مبانی این دکترین بحث شد، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. یکی از مؤلفه‌های اصلی برای اعمال دکترین این است که آیا اکثر بیمه‌گذاران قبل از بروز حادثه حاضر بودند مبلغ حق بیمه بیشتری برای پوشش بیمه‌ای

مورد اختلاف که موضوع شرط مبهم است پردازند. این معیار می‌تواند در راستای این‌که اعمال دکترین یک فرآیند یک‌طرفه و به نفع بیمه‌گذاران باشد مؤثر واقع شود. مزایای این مدل این است که کمتر تابع سلیقه فردی است و تا حد زیادی مبرز قصد طرفین است. به دیگر بیان، مدلی از قاعده تفسیر علیه بیمه‌گر که هم میزان دقت بیمه‌گر و هم تمایل بیمه‌گذار برای پرداخت حق بیمه بالاتر در قبال پوشش بیمه‌ای بیشتر را مدنظر قرار می‌دهد با حقوق قراردادهای هماهنگ است، زیرا هدف عینی طرفین را به حساب می‌آورد. لذا چنین مدلی تفسیر علیه بیمه‌گر را به عنوان قاعده‌ای صلاح‌حیدی<sup>۱</sup> برای حل اختلاف به کار می‌گیرد و از اعمال شکل مطلق این دکترین جلوگیری می‌کند. معایب این مدل، دشواری اثبات و تعیین خطای بیمه‌گر و عدم تمایل بیمه‌گذار برای پرداخت حق بیمه بیشتر است؛ لیکن اعمال شکل مسئولیت مطلق قاعده این هزینه‌ها را در بر ندارد (Shwartz, 2008: 146-148).

## ۲-۵. اعمال دکترین در پرتو اوضاع و احوال قراردادی

نحوه مذاکرات طرفین، میزان مشارکت افراد در نگارش متن قرارداد، حرفه‌ای بودن طرفین، توافق طرفین، منشأ ابهام، میزان آگاهی طرفین، چاپی بودن یا نبودن مقرردها و اعمال دکترین به عنوان آخرین راه‌حل در روند تفسیری بیمه‌نامه‌ها مؤثر است که در سطور ذیل به تأثیر هر یک از این مسائل پرداخته می‌شود.

### ۲-۵-۱. اعمال دکترین در پرتو مذاکرات قراردادی

یکی از زمینه‌هایی که در قراردادهای بیمه نابرابری ایجاد کرده است، فرصت مذاکراتی است؛ اما سؤال اینجاست که آیا تفسیر علیه بیمه‌گر، جایی که قرارداد مذاکره شده است نیز اعمال می‌شود؟ و آیا نابرابری قدرت مذاکراتی پیش‌شرط ضروری و قطعی برای اعمال دکترین تفسیر علیه تنظیم‌کننده یا بیمه‌گر است؟ پاسخ به سؤالات فوق به این شکل می‌تواند باشد که اگر قرارداد به نحو فعالانه و مؤثر بین بیمه‌گر و

1. As a Rule of Discretion

بیمه‌گذار مورد مذاکره قرار گرفته باشد موقعیت مذاکراتی طرفین برابر است. لیکن فرصت برابر مذاکراتی صرفاً شرط کافی برای عدم اعمال دکترین نیست. در سال ۱۹۶۲ در دادگاه کالیفرنیا مقرر شد که جایی که شروط قرارداد به وسیله مذاکره فعالانه بین دو طرف وارد شده‌اند، قرارداد علیه تنظیم‌کننده اعمال نخواهد شد (Torbert, 2014:30)؛ البته همین ملاک مذاکره فعالانه و مؤثر هم دچار تردیدهای زیادی است؛ مثلاً این‌که آیا «مذاکره کردن» صرفاً مباحثه موضوعات است یا این‌که باید منجر به یک نتیجه اساسی تغییر در متن باشد؟ بنابراین عبارت مذاکره کردن خودش مبهم است و خیلی نمی‌تواند راهنما دقیق و قطعی باشد. علاوه بر این، عبارت مذاکره فعالانه، روشن نمی‌کند که آیا طرفین از قدرت مذاکره‌ای برابر بهره می‌برند؟ و آیا طرفین به صورت برابر حرفه‌ای هستند؟ اما احتمالاً به طور ضمنی بیان می‌کند که هر دو طرف در پیش‌نویسی قرارداد مشارکت داشته‌اند به نظر می‌رسد، فرصت برابر مذاکره شرط لازم اما نه شرط کافی برای دست کشیدن از اعمال دکترین است و همچنین بهترین ملاک برای ارزیابی اختیار مذاکره بیمه‌گذار، ملاک مذاکره مؤثر است؛ به این معنی که باید سنجیده شود که مذاکره بیمه‌گذار تا چه حد در پیش‌نویس سند بیمه مؤثر بوده است و یا مذاکرات چقدر پتانسیل ایجاد تغییر در بیمه‌نامه را داشته است، در نتیجه فرصت برابر مذاکره بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار می‌تواند یکی از عناصر هدایت‌کننده برای عدم اعمال دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر باشد لیکن نمی‌تواند به‌تنهایی عنصری جهت عدم اعمال دکترین باشد.

#### ۵-۲-۲. اعمال دکترین در پرتو نوشتن اشتراکی متن

سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا تفسیر علیه تنظیم‌کننده یا بیمه‌گر وقتی که قرارداد مشترکاً نوشته می‌شود نیز اعمال می‌شود؟ مسئله مذاکره مؤثر قرارداد به طور دقیق، مرتبط با نوشتن اشتراکی متن است. عموماً همان‌طور که سابقاً بیان شد، در قراردادهای الحاقی چون بیمه یک طرف پیش‌نویس اولیه قرارداد را تنظیم خواهد کرد و آن یک طرف بیمه‌گر است؛ لیکن ممکن است طرفین پیش‌نویس اولیه بیمه‌نامه را به خصوص در بیمه‌نامه‌های دریایی تجاری مذاکره بگذارند و قسمت‌هایی از آن را تغییر

دهند؛ در رویه قضایی این امر را «تنظیم اشتراکی پیش‌نویس»<sup>۱</sup> می‌گویند. در سال ۱۹۸۴ در پرونده‌ای<sup>۲</sup> در دادگاه عالی کالیفرنیا مقرر شد که قرارداد بیمه که مذاکره شده بود (Torbert, 2014: 1)، به این شکل که بیمه‌گر و اتحادیه بهداشت (بیمه‌گذار) از حق مذاکره برابری بهره می‌بردند و این به نوعی نوشتن اشتراکی به وجود آورد؛ لذا از اعمال دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر امتناع شد. در این پرونده از مطرح کردن این که مسئله میزان و حدود تغییر قرارداد که در پرتو نوشتن اشتراکی ایجاد شده چقدر است، امتناع شد؛ اما روی هم رفته از پرونده‌های موجود پیرامون مذاکره مؤثر، می‌توان دریافت که احتمالاً تغییر در پیش‌نویس باید از مذاکرات منتج شود و در این صورت مانع اعمال دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر می‌شود (Torbert, 2014: 31). با این حال صرف نوشتن اشتراکی موجب عدم اعمال دکترین نمی‌شود و فقدان این مسئله صرفاً یکی از شروط لازم برای اعمال دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر است.

### ۵-۲-۳. اعمال دکترین در پرتو حرفه‌ای بودن طرفین

یکی از مبانی اعمال دکترین ثانویه تفسیری حرفه‌ای بودن و متخصص بودن بیمه‌گر در بیمه به سبب اعمال مکرر این امور و استفاده از متخصصین و مشاوران حقوقی است؛ اما آیا این مسئله و فقدان تخصص طرف مقابل قرارداد (بیمه‌گذار) پیش‌شرطی برای اعمال دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر است؟ تخصص فردی که قرارداد را تنظیم نمی‌کند و در فرض تحقیق ما بیمه‌گذار، یک فاکتور دادگاه کالیفرنیا در استناد در احکام برای اعمال یا عدم اعمال بوده است. برای مثال در سال ۱۹۹۵ در پرونده‌ای، دادگاه از پذیرش اعمال دکترین امتناع کرد، زیرا این دکترین را جایی که طرفین حرفه‌ای مذاکره می‌کنند و مشترکاً متن را تنظیم می‌کنند، قابل اعمال نمی‌دانست. در همین راستا، دادگاه عالی کالیفرنیا در سال ۱۹۹۰ طی حکمی اعلام کرد که بیمه‌گذاران در قرارداد بیمه فاقد تخصص و یا فاقد قدرت مذاکره هستند، ولی جایی که قرارداد مشترکاً نوشته می‌شود و

1. Joint Drafting

2. Garcia v. Exhibition Foods, 184 Cal.App.3d 1033, 1042 (1986)

بیمه‌گذار حرفه‌ای است متحمل نابرابری نمی‌شوند. به نظر می‌رسد رویه دادگاه‌های کالیفرنیا این است که این دکترین را وقتی که بیمه‌گذار حرفه‌ای است و نابرابری قدرت مذاکره‌ای در کار نیست و قرارداد مشترکاً به بحث و مذاکره گذاشته و تنظیم می‌شود، اعمال نشود. در هر حال به نظر می‌رسد تخصص به‌تنهایی و بدون عوامل دیگر برای رد اعمال دکترین شرط کافی نیست (Torbert:2014:32-33)، البته باید توجه داشت همان‌طوری که بیان شده است شرکت‌های بیمه، اغلب شرکت‌های حرفه‌ای و خبره هستند و در مقابل بیمه‌گذار، شخص غیرحرفه‌ای است (Swisher,1991:587) که تخصص لازم را در خیلی از زمینه‌ها ندارد؛ البته فرض عدم تخصص در اغلب بیمه‌نامه‌های تجاری از جمله بیمه‌نامه‌های دریایی تجاری که در ادامه بحث خواهد شد قابل رد است؛ با این توضیح که در صنعت بیمه دریایی خیلی از مفاهیم از دور زمان برای طرفین آشنا هستند. بی‌شک تعداد زیادی از مالکین کشتی، دلال‌های بیمه و نمایندگان بیمه، حرفه‌ای هستند و چیزی که پوشش مقرر می‌کند به خوبی درک می‌کنند. برای کسانی که با این صنعت آشنا هستند و از عرف‌های آن آگاهی دارند، احتمالاً غیرمحمول است که به نفع آن‌ها تفسیر علیه تنظیم‌کننده یا تفسیر علیه بیمه‌گر اعمال شود. از طرفی باید توجه داشت که شرکت‌های تجاری که از طریق حمل و نقل دریایی، محموله می‌فرستند با مشورت با مشاوران و متخصصان حرفه‌ای، اقدام به این عمل می‌کنند؛ لذا تعداد قابل توجهی از بیمه‌های دریایی تجاری دربردارنده مدل‌های قراردادی متفاوت هستند و بیمه‌گذار همیشه در معامله طرف ضعیف نیست؛ یک شرکت نفتی بزرگ و یک ناوگانی از کشتی‌ها که ممکن است دارای برابر یا بیشتر از بیمه‌گرانی که خطر به آن‌ها واگذار می‌شود داشته باشند و بیمه‌خبرات بزرگ دریایی همیشه توسط دلالانی که تعداد زیادی از بیمه‌گذاران را نمایندگی می‌کنند در قرارداد واقع می‌شود (Watson,2006:3-4) و از این منظر ممکن است برخی نابرابری‌ها قابل تصور نباشد.

### ۵-۲-۴. اعمال دکترین در پرتو توافق طرفین

در هر قراردادی طرفین می‌توانند شرایط عمومی را که بر سایر قراردادها اعمال می‌شود، استثنا کنند؛ البته اگر این شرایط ناشی از قواعد آمره یا نظم عمومی نباشد این امر در ماده ۱۰ قانون مدنی ایران نیز مورد اشاره قرار گرفته است. لذا برخی معتقدند دکترین تفسیر علیه تنظیم کننده قرارداد یا بیمه‌گر عموماً می‌تواند در طی مقرره‌ای معاف کننده در قرارداد استثنا شود؛ به این شکل که هر قاعده‌ای که تفسیر هرگونه ابهام را علیه تنظیم کننده قرارداد تفسیر کند نفی شود (Martorana, 2014: 42)<sup>۱</sup> از آنجایی که قراردادهای بیمه دارای ویژگی انحصاری که بتوان آن را در این مورد استثنا کرد نیستند؛ لذا بیمه‌گر و بیمه‌گذار نیز می‌توانند بر سر عدم اعمال این دکترین در ضمن قرارداد توافق کنند؛ بنابراین ممکن است طرف تنظیم کننده (بیمه‌گر)، قیدی را در قرارداد درج کند که مانع اعمال دکترین تفسیر علیه تنظیم کننده شود، البته این قید به ندرت مشاهده می‌شود ولی به نظر می‌رسد در برخی قراردادها رایج باشد. با این حال، در این زمینه بیان شده است که دادگاه می‌تواند دکترین تفسیر علیه تنظیم کننده را علیه همین قید به کار برده و آن را از اثر بیندازد (Torbert, 2014: 21)؛ اما اعمال این دکترین بر قید معاف کننده، بدون این که ابهامی وجود داشته باشد می‌تواند موجب خدشه‌ای بر حقوق مصرف کننده باشد و از آنجایی که حقوق مصرف کننده ریشه در نظم عمومی دارد، محسوب کرد؛ لذا شرط خلاف آن معتبر به نظر نمی‌رسد.

### ۵-۲-۵. اعمال دکترین در پرتو منشأ ابهام

ابهام‌های متن را می‌توان در مراحل مقدماتی قبل از توسل به این دکترین از میان برداشت؛ به این شکل که هرگاه ابهامی پیش می‌آید، محاکم می‌توانند دلایل و منشأ آن را بررسی کنند و از این طریق نیاز به اعمال این دکترین را برطرف کنند. عوامل مرتبط برای احراز این دلایل شامل این موارد می‌شود که چه چیزی موجب شد تا بیمه‌گر آن

1. Senior Housing Capital, LLC v. SHP Senior Housing Fund, LLC Not Reported in A.3d, 2013 WL 1955012 Del.Ch.2013

شرط مورد اختلاف را در قرارداد بگنجانند؟ بنابراین اگر شرایط واقعی که تحت آن‌ها حادثه روی داده است با ملاحظات بیمه‌گر هنگام قیمت‌گذاری ریسک در تناقض نباشد یا آن‌ها را نفی نکند، دادگاه باید ابهام را علیه بیمه‌گر تفسیر کند. به طور مثال فرض شود بیمه‌نامه‌ای در مقابل سرقت<sup>۱</sup> صادر شده است که تنها سرقت‌های همراه با عنف را پوشش می‌دهد؛ اما بین طرفین اختلاف پیش می‌آید که آیا سرقت‌هایی که همراه با عنف نبوده‌اند را نیز شامل می‌شود یا خیر؛ ابتدا دادگاه باید دلیل اینکه بیمه‌گر تنها پوشش بیمه‌ای در مقابل سرقت با عنف را پیشنهاد کرده است، احراز کند. دلیل احتمالی این امر ممکن است آن باشد که بیمه‌گر خواسته است تا انگیزه بیمه‌گذار برای سرقت خودساختگی را از بین ببرد. همچنین ممکن است بیمه‌گر خواسته باشد، بیمه‌گذار احتیاط بیشتری به عمل آورد. فرضاً اگر بیمه‌گذار آگاه باشد که تنها سرقت همراه با عنف مورد پوشش قرار خواهد گرفت، او هنگام خروج از ساختمان احتیاط بیشتری به عمل می‌آورد، زیرا اقدام‌های معمول و عرفی برای جلوگیری از سرقت در هر حال ضروری است (مقابله با خسارت)، در غیر این صورت، بیمه‌گر نسبت تمام یا بخشی از حادثه که ناشی از فعل یا ترک فعل بیمه‌گذار است، مسئول شناخته نمی‌شود. به بیانی دیگر، بیمه‌گر با در نظر گرفتن این موارد ریسک را قیمت‌گذاری کرده است و بنابراین متن را به گونه‌ای پیش‌نویس کرده که تنها سرقت‌های همراه با عنف را پوشش دهد؛ اما به هر حال چنانچه بعداً مشخص شود که سرقت خودساختگی نبوده و سارقان علیرغم اقدام‌های احتیاطی لازم توسط بیمه‌گذار وارد ساختمان شده‌اند و بدون اینکه نشانه‌ای از عنف بر جای گذاشته باشند، بیمه‌گر نمی‌تواند در لوای متن قرارداد شانه از زیر بار مسئولیت خالی کند، زیرا سرقت خودساختگی نبوده و بیمه‌گذار تمام اقدام‌های احتیاطی لازم را به عمل آورده است. در واقع بیمه‌گر به هدف خود از درج شرط «همراه با عنف» رسیده است. چون بیمه‌گذار احتیاط لازم را کرده و سرقت هم ساختگی نبوده، لذا بیمه‌گر هیچ‌گونه دلیلی برای درخواست معافیت از پرداخت منافع بیمه‌ای مناسب ندارد؛ حتی اگر متن قرارداد برخلاف آن دلالت داشته باشد. بنابراین

تعیین مقدماتی دلایل اصلی درج متن مورد اختلاف، به احتمال ضرورت بحث راجع به ابهام و یا اعمال قاعده تفسیر علیه تنظیم کننده یا بیمه‌گر را برطرف می‌کند. مزیت چنین رویکردی به خصوص زمانی که دلایل بیمه‌گر برای درج آن شروط مبهم آشکار هستند آن است که رأی صادره کمتر تابع سلیقه فردی و بیشتر با هدف عینی طرفین بدون ارجاع به قواعد تفسیر مطابقت می‌کند (Shwartz, 2008: 147-149). لیکن این نقد بر این نحوه اعمال وارد است که بر متن قرارداد هم توانایی غلبه دارد، در صورتی که اعمال این دکترین در برابر متن صریح قرارداد رد شده است.

#### ۵-۲-۶. اعمال دکترین در پرتو تعهد به افشای اطلاعات

میزان پیروی بیمه‌گر از تعهد به افشا اطلاعات، می‌تواند ملاکی در اعمال دکترین به حساب آورده شود و یک همبستگی معکوس می‌توان بین این دو برقرار کرد؛ به این ترتیب که هرچه بیمه‌گر از تعهد به افشای اطلاعات بیشتر پیروی کند، کمتر ضرورت دارد که دادگاه به قاعده تفسیر علیه تنظیم کننده یا بیمه‌گر توسل جوید و برعکس. در واقع با رعایت تعهد به افشای اطلاعات، بیمه‌گر برداشت خود از بیمه‌نامه را روشن می‌سازد؛ به طوری که دیگر بیمه‌گر و بیمه‌گذار برداشت عینی یکسانی خواهد داشت (Shwartz, 2008: 159).

#### ۵-۲-۷. اعمال دکترین به عنوان آخرین راه‌حل

اکثریت قابل توجهی از دادگاه‌ها تفسیر علیه تنظیم کننده را به عنوان یک چاره آخر در راستای کشف حقیقت به کار می‌برند؛ بنابراین دادگاه نخست تمامی عناصر تفسیری قاعده اولیه را به کار می‌بندد و سپس اگر آن عناصر ابهام را رفع نکرد به سراغ قاعده تفسیر علیه تنظیم کننده می‌رود. بنابراین باید نخست عناصر تفسیری اولیه تا حد ممکن به کار روند (Burton, 2009: 187-188). اگر دکترین اولیه به کار بسته شد و پس از اعمال آن هنوز شرطی یا عبارتی مبهم باقی ماند و مستعد حداقل دو معنای معقول بود باید این دکترین به عنوان آخرین چاره و آخرین راه‌حل اعمال شود. لذا همانطور که در



رویه قضایی آمده است، اگر شواهد خارجی در اثبات قصد طرفین شکست بخورد، دادگاه ممکن است دیگر قواعد تفسیر از جمله قاعده تفسیر علیه تنظیم کننده را اعمال کند (Martorana, 2014:39)<sup>۱</sup>. همچنین در برخی پرونده‌های پیرامون حقوق بیمه بیان شده است که ابهام در متن قرارداد بیمه که با ملاحظه شواهد خارجی قابل دسترس نمی‌تواند تفسیر شود، علیه بیمه‌گر و به نفع بیمه‌گذار تفسیر می‌شود<sup>۲</sup> و همچنین بیان شده است که دادگاه نمی‌تواند تا قبل از این که متن واضح و یا شواهد خارجی را بررسی برای تعیین قصد طرفین اعمال کند به این قاعده متوسل شود (Wilkerson, 2011:316) از طرفی برخی احکام در حقوق بیمه وجود دارد که ملاحظه اولیه شواهد خارجی و دیگر ابزار دکترین اولیه برای کشف قصد طرفین را نفی کرده است و به سراغ اعمال مستقیم دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر می‌رود (Martorana, 2014:40)؛ لیکن رویکرد اخیر منطقی به نظر نمی‌رسد.

#### ۵-۲-۸. تفکیک شروط چاپی از شروط نوشته

نکته مهم در اعمال قاعده تفسیر علیه تنظیم کننده یا بیمه‌گر این است که باید بین شروط چاپی و شروط اضافه شده یا نوشته شده، تفکیک قائل شد؛ به این شکل که شروط چاپی استعداد تفسیر علیه بیمه‌گر را دارد چون به وسیله بیمه‌گر تنظیم شده است، ولی در شروط اضافه شده این امکان وجود ندارد، زیرا پیشنهاددهنده بیمه‌گذار است.

#### ۶. انتقادات وارده بر دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر

دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر به عنوان یک روش مرسوم در تفسیری قراردادهای بیمه، علی‌رغم تناسب با خصایص این قرارداد و رفع تبعیض موجود در قراردادهای بیمه،

1. Olin Corp. v. American Home Assur. Co. 704 F.3d 89 C.A.2 (N.Y.), 2012. December 19, 2012

2. Atlantic Ca. Ins. Co. v. Value Waterproofing, Inc. 918 F.Supp.2d 243, S.D.N.Y. 2013. January 15, 2013

روشی بی‌اشکال نیست؛ لذا برای شناخت دقیق این دکترین مناسب است چالش‌های پیش روی این روش مورد مذاقه قرار گیرد که ذیلاً به آن پرداخته می‌شود.

## ۶-۱. ناکارآمدی تفاسیر

یکی از عوامل اساسی تعیین این که آیا قاعده تفسیری مناسب است یا خیر، این است که آیا این قاعده شروط مبهم را به صورت کارآمد<sup>۱</sup> تفسیر می‌کند یا خیر؛ یک شرط مبهم حداقل دو تفسیر معقول دارد، ولی معمولاً یکی از تفاسیر کارآمد خواهد بود. این تحلیل بستگی به این دارد که آیا بازار بیمه مشمول شکست بازار است یا خیر؛ دخالت قضایی بدون توجیه، کارآمدی بازار بیمه را تقلیل می‌دهد و به یکن‌وسیله حق بیمه بالا می‌رود (Miller, 1998: 1858). دکترین اولیه و دیدگاه سنتی، قراردادهای بیمه را با تلاش برای کشف قصد طرفین تفسیر می‌کند؛ به موجب این دیدگاه اگر متن قرارداد مبهم باشد، دادگاه قواعد مختلف را برای واضح‌سازی معنای آن به کار می‌برد. لذا دادگاه چارچوب، اهداف و ساختار توافق را بررسی می‌کند. به طور مثال اهداف طرفین، اغلب مبین این است که چطور آن‌ها برای حل یک موضوع قصد کرده‌اند. از آنجا که قرارداد معمولاً اهداف را بیان نمی‌کند، دادگاه‌ها باید آن را از شواهد قابل دسترس استنباط کنند و در راستای کشف قصد طرفین در نظر گرفتن ساختار توافق یا چارچوب داخلی و رابطه بین قیود متفاوت نیز ممکن است مفید باشد. برای مثال یک قید مبهم ممکن است با قید دیگری که اهداف طرفین را آشکار می‌سازد واضح شود، بنابراین در حل ابهام‌های دادگاه‌ها به جای یک فرمول مکانیکی، عقلشان را قاضی می‌کنند و در هر حال به آن تفسیری که قصد طرفین را منعکس می‌کند، اهمیت می‌دهند. لذا اگر بازار بیمه از شکست بازار مصون باشد، دیدگاه سنتی نه تنها قصد طرفین را بهتر از دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر تشخیص می‌دهد، بلکه کارآمدی بیشتر از دکترین دارد، زیرا اگر طرفین موضوع را در قرارداد عنوان کنند معمولاً این کارآمد است که به تصمیم آن‌ها ترتیب اثر داده شود و قصد طرفین کشف شود تا این که اصلی فرضی بر ابهام

قرارداد اعمال شود. از طرف دیگر پیامد دیگر اعمال مطلق دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر این است که سود خالص بیمه را کاهش می‌دهد، زیرا مصرف‌کنندگان با توجه با این تضمین که همیشه مورد حمایت خواهند بود به دنبال این خواهند بود که حق بیمه کمتری بخرند و بیمه‌گر متضرر خواهد شد و منجر به ناکارآمدی در تفاسیر بیمه و شکست بازار می‌شود (Rappaport, 1995: 201-203). این شرکت‌های بیمه را ناتوان از تعیین حق بیمه مناسب برای ریسک‌ها می‌کند؛ به این ترتیب که بیمه‌گران قادر به تخمین احتمال رویدادهای طبیعی برای تعیین حق بیمه مناسب هستند، ولیکن به مراتب کمتر قادر به تعیین تمایل شخصی قضاوت در تعیین حد گسترش پوشش بیمه هستند و ریسک قضایی یعنی تعیین احتمال این که قاضی بخواهد پوشش را گسترش دهد، دشوار است و به این لحاظ بی‌ثباتی ریسک<sup>۱</sup> پیش می‌آید. در نتیجه، بیمه‌گر باید حق بیمه را با محاسبه گسترش پوششی که دادگاه ممکن است اعطا کند بالا ببرد. این مشکل با این حقیقت که این امر غیر قابل تعیین است تشدید می‌شود؛ لذا شرکت‌ها باید حق بیمه را بالاتر تخمین زنند، زیرا شرکت‌های بیمه در شناسایی ریسک‌هایی که به موجب قرارداد بیمه بایستی تحت پوشش قرار گیرند، نه تنها ریسک‌های معمول در موضوع قرارداد بیمه، بلکه خطر این که دادگاه احتمالاً پوشش را فراتر از قلمرو قرارداد بیمه گسترش دهد را نیز باید در نظر بگیرند. همه این موارد روی هم رفته موجب ناکارآمدی در تفسیر بیمه‌نامه‌ها و نهایتاً بازار بیمه می‌شود (Miller, 1998: 1861-1863)؛ به عبارت دیگر، عدم اطمینان از کیفیت خطر در بیمه‌نامه باعث می‌شود تا بیمه‌گر ریسک را بیشتر ارزیابی کرده و به تبع آن، حق بیمه پرداختی توسط بیمه‌گذار را افزایش دهد.

## ۶-۲. عدم قطعیت

همان‌طور که گفته شد، پایداری شرکت‌های بیمه مبتنی بر این است که ریسک‌ها باید قادر باشند که دقیقاً تعیین شوند و شرکت بیمه باید بداند که چه ریسکی به موجب بیمه‌نامه ارزیابی می‌کند؛ به طوری که بتواند تخمین بزند یا جدول احتمال را برای

1. Undiversifiable risk

تعیین حق بیمه مورد ارزیابی قرار دهد (Miller, 1998: 1859-1860).<sup>۱</sup> عدم قطعیت ناشی از دکتترین تفسیر علیه بیمه‌گر هزینه‌های بیمه را افزایش می‌دهد و بهره خالصی که طرفین می‌خواهند از بیمه ببرند کاهش می‌دهد. به موجب دیدگاه کلاسیک بیمه، بیمه‌گران خسارتی را که از جانب بیمه‌گذار سرمایه‌گذاری شده است تحت پوشش قرار می‌دهند؛ اگر سرمایه‌گذاری مؤثر باشد، بیمه‌گران می‌توانند بالاترین حد خسارت که ممکن است متحمل شود و در کنار یک سطح کوچکی از عدم قطعیت را پیش‌بینی کنند. لذا بیمه‌گران باید صرفاً ذخیره کمی برای تضمین این‌که آن‌ها برای پوشش هر مقدار خطری که رخ دهد پس‌انداز کنند؛ اما اگر بیمه‌گران پیرامون نتایج پوشش قراردادهایشان نامطمئن باشند، این ذخایر که آن‌ها باید نگه دارند را افزایش می‌دهد و در ازای آن هزینه‌های بیمه بالا می‌رود و سود خاص و بهره از بیمه برای بیمه‌گران کم می‌شود (Rappaport, 1995: 214-220). تحمیل عدم قطعیت به وسیله دکتترین تفسیر علیه بیمه‌گر مجموعه‌ای از هزینه‌های مهم و ناروایی را بر طرفین قرارداد بیمه تحمیل می‌کند و نهایتاً موجب شکست بازار می‌شود.

### ۳-۶. بالا رفتن دشواری بیمه‌نامه و هزینه‌های بیمه‌گذار

گفته شده است که این دکتترین هزینه‌های ابهام‌ها را برای بیمه‌گر افزایش می‌دهد و بیمه‌گر تشویق به حذف ابهام‌ها می‌شود ولی حذف ابهام‌ها هم دارای هزینه‌هایی است، زیرا نهایتاً موجب این شود که بیمه‌گر تلاش کند که ابهام‌ها از متن حذف شود که این معمولاً نیازمند متنی فنی و قیودی اضافی است یا این‌که «شروط تعریف» در متن اضافه می‌شود و متن به شکل قیود طولانی در می‌آید. در هر صورت، فنی‌تر شدن و نهایتاً طولانی شدن متن توسط بیمه‌گر برای حذف ابهام‌ها، قرارداد را برای خواندن بیمه‌گذار دشوارتر می‌کند، زیرا خواندن یک قرارداد طولانی و فنی برای بیمه‌گذار خیلی سخت‌تر است و بیمه‌گذار باید توانایی زیادی داشته باشد و تلاش زیادی به کار بندد؛ در صورتی که انتظار می‌رود که مصرف‌کنندگان کمتری قراردادشان را بخوانند یا متوجه

1. ibid. at p.1859-1860

شوند. این اثر به طور ویژه قابل توجه است، زیرا توجیهی که قضات برای این دکترین می‌آورند، این است که باعث می‌شود درک مصرف‌کننده را بیشتر کند و نابرابری اطلاعات را ترمیم کند. در صورتی که یک قرارداد بیمه بدون ابهام، سندی بزرگ و سرشار از لفاظی‌های فنی خواهد بود. حذف ابهام‌ها در صورتی فایده دارد که بیمه‌گذاران قرارداد خود را بخوانند، اما وقتی که قرارداد را نمی‌خوانند (همان‌طور که اغلب این‌طور است) لذا ارزش واضح‌سازی تحمیلی به وسیله دکترین پایین می‌آید؛ بنابراین مصرف‌کنندگان اغلب از یک قرارداد خوانا سود می‌برند و ترجیح می‌دهند که بیمه‌نامه‌ها خوانا باشد (Rappaport, 1995:220-223). نهایتاً دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر، ممکن است بیمه‌گران را وادار به بازنویسی متون کند که این خود هزینه‌بر است و هزینه‌های ناشی از اعمال نظر متخصصین بر متن بیمه‌نامه، نهایتاً بر بیمه‌گذار در طول حق بیمه تحمیل می‌شود؛ در نتیجه، هزینه‌های مضاعف به کار بردن چنین متنی، اغلب کمتر از منافع آن است (Rappaport, 1995:203-209).

#### ۴-۶. اعمال دکترین در اسناد تجاری

خیلی از خریداران بیمه‌های تجاری، دلال‌هایی هستند که در مؤسسات با تخصص بالایی استخدام هستند و آماده برای مذاکره بیمه‌های تجاری هستند و شرکت‌های تجاری آن‌ها را به کار می‌بندند. این دلال‌های مؤسسات که اغلب ماهیت شرکت‌های عمومی را دارند، نرخ حق بیمه را مذاکره می‌کنند و بر شروط بیمه‌نامه پیشنهاد شده از سوی بیمه‌گر، در جهت منافع موکلشان (بیمه‌گذار) مذاکره می‌کنند. به‌علاوه رقابتی فعال میان شرکت‌های بیمه برای فرم‌ها و شروط برای بیمه‌گذار تجاری وجود دارد و بیمه‌گران ممکن است بیشترین حمایت را از بیمه‌گذار در برابر حتی ریسک‌های غیرمحمول به عمل بیاورند؛ لذا قدرت انحصاری و یک‌طرفه بیمه‌گر در قرارداد بیمه که یکی از مبانی دکترین حمایتی برای بیمه‌گذار است از بین می‌رود. در نتیجه، در اعمال این دکترین دقت عمل در بررسی حقایق و اوضاع و احوال پرونده از جمله وجود نابرابری ضروری است و اعمال مطلق دکترین از منظر محققان متأخر مورد رد و انکار

قرار گرفته است (Miller, 1998: 1857-1858).

## ۷. اعمال شکل مطلق دکترین در حقوق بیمه ایران

نحوه تفسیر بیمه‌نامه‌ها در حقوق ایران ارتباط زیادی با دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر دارد، به نحوی که از ضوابط موجود برمی‌آید که این دکترین به نحو مطلق در تفسیر بیمه‌نامه‌ها به کار می‌رود و به وضعیت طرفین، قرارداد و تأثیر آن بر شیوه اعمال آن اشاره‌ای نشده است. ذیلاً به بررسی و تجزیه تحلیل نحوه اعمال این دکترین در حقوق ایران پرداخته می‌شود.

### ۷-۱. دکترین تفسیری بیمه‌نامه‌ها در ایران

در قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ مقررهای در ارتباط با تفسیر بیمه‌نامه‌ها وجود ندارد و تا سال ۱۳۹۱ هیچ متن قانونی پیرامون تفسیر قراردادهای بیمه، چه به طور مستقیم و چه غیرمستقیم در حقوق بیمه ایران مشاهده نمی‌شد و لذا قراردادهای بیمه بر اساس اصول کلی تفسیر در قراردادهای یا همان اصول سنتی تفسیر قراردادهای تفسیر می‌شد؛ تا این که در ماده ۱۴ آیین‌نامه شماره ۷۱ شورای عالی بیمه «آیین‌نامه حمایت از حقوق بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آن‌ها» بیان شد که: «مؤسسه بیمه موظف است بیمه‌نامه و شرایط آن را با حروف خوانا و عبارات قابل درک برای عموم بیمه‌گذاران تهیه کند. مسئولیت درج صحیح اطلاعات در بیمه‌نامه بر عهده بیمه‌گر است و موارد اجمال، ابهام یا اختلاف در مندرجات بیمه‌نامه یا سایر مستندات به نفع بیمه‌گذار یا ذینفع تفسیر می‌شود». همان‌طور که از متن این ماده برمی‌آید مسئولیت درج ابهام در بیمه‌نامه، به عهده بیمه‌گر است و در صورتی که در این مسئولیت خطا کنند باید توان آن را با تفسیر به نفع بیمه‌گذار بدهند. هرچند اشاره مستقیمی به اصل تفسیر علیه بیمه‌گر یا تنظیم کننده در این ماده نشده است؛ لیکن به طور غیرمستقیم و به صورت مفهومی این اصل در ماده ۱۴ بیان شده است. اصل تفسیر علیه تنظیم‌کننده در هیچ یک از دیگر مقررات و قوانینی غیر بیمه‌ای وجود ندارد و در صورتی که ابهامی در

قراردادها به وجود بیاید بر اساس اصول سنتی تفسیر قراردادها تفسیر می‌شود و این اولین بار است که در نظام حقوقی و قانونی ایران به این اصل اشاره می‌شود. باید توجه داشت که این آیین‌نامه اختصاص به بیمه‌نامه‌های خاصی ندارد و در مورد همه بیمه‌نامه‌ها جاری و ساری است؛ لذا بیمه‌نامه‌های دریایی نیز مانند سایر بیمه‌نامه‌ها، باید بر مبنای این اصل تفسیر شوند و ابهام‌ها علیه بیمه‌گر تفسیر شود. همچنین در بند ۱۲ ماده ۱ همین آیین‌نامه آمده است که: «شرایط خصوصی قسمتی از مندرجات بیمه‌نامه، شامل شرایط و اطلاعات خاص و ویژه و یا پوشش‌های اضافی یا حذفی است که بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار معین، توافق می‌شود. در صورت تعارض بین شرایط عمومی و شرایط خصوصی، شرایط خصوصی بیمه‌نامه بر شرایط عمومی مقدم است». لذا اصل دیگری که در تفسیر قراردادهای بیمه کاربرد دارد و در این آیین‌نامه بیان شده است، تقدم شرایط خصوصی بر شرایط عمومی است. به عقیده نگارنده بر اساس این اصل می‌توان، تقدم شروط اضافی و نوشته شده بر شروط چاپی بیمه‌نامه را نیز استنباط کرد.

در کنار این موارد قانونی، هیئت دولت به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و لایحه‌ای (به شماره ۳۰۲۵۵/۲۵۱۲۵) حاوی ۱۰۹ ماده را تحت عنوان لایحه بیمه تجاری در سال ۱۳۸۴ تقدیم مجلس کرد که این لایحه در پی ایجاد تفکیک منطقی و مشهور بیمه‌های تجاری از بیمه‌های اجتماعی است. در بند دوم ماده ۲ این لایحه آمده است: «بیمه‌گر باید بیمه‌نامه و همه اسناد و مدارک مربوط را با متن روشن و خوانا و عبارات قابل درک برای عموم تهیه کند. موارد ابهام و اجمال به نفع بیمه‌گذار تفسیر می‌شود». همان‌طور که مشاهده می‌شود علی‌رغم تلاش در جهت تفکیک بیمه‌نامه‌های تجاری از بیمه‌نامه‌های غیرتجاری در این لایحه، کماکان دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر به طور مطلق، بدون توجه به نوع بیمه‌نامه اوضاع و احوال پیرامون قضیه مورد اشاره قرار گرفته است. همان‌طور که بیان شد که در ماده ۱۴ آیین‌نامه ۷۱ بحث تفسیر علیه تنظیم‌کننده یا بیمه‌گر اشاره شده است و هیچ اشاره‌ای به سلسله‌مراتب برای اعمال این دکترین در برابر دکترین اولیه و اصول سنتی تفسیر قرارداد در راستای کشف قصد طرفین و یا

مبانی لازم، از جمله، نابرابری مذاکراتی برای اعمال این دکترین نشده است؛ لیکن اعمال دکترین بدون در نظر گرفتن مبانی آن یک حمایت بی‌قید و شرط از بیمه‌گذار است و در این ماده اعمال مطلق این دکترین که از دیدگاه محققین مورد نکوهش بوده، توصیه شده است؛ در صورتی که بهتر بود قانون‌گذار در راستای دیدگاه میانه و واقع‌گرایانه برای حل ابهام‌های قرارداد و همانند سایر نظام‌های حقوقی بیمه، مقدمتاً اعمال دکترین اولیه تفسیر قراردادها به طور عام را مورد اشاره قرار می‌داد و سپس در صورت عدم رفع ابهام، دکترین ثانویه را توصیه می‌کرد، زیرا همان‌طور که پیش از این گذشت، دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر به عنوان آخرین راه‌حل در کتب حقوقی مورد اشاره قرار گرفته است. از طرفی دیگر قانون‌گذار باید فرض نابرابری‌های موجود در قرارداد بیمه که موجب حمایت از بیمه‌گذار می‌شود را فرضی قابل رد می‌دانست تا در صورتی که فرضاً بیمه‌گذاری که از لحاظ تخصص و قدرت مذاکره‌ای و اقتصادی ممکن است با شرکت بیمه‌گر برابر باشد، مشمول این دکترین حمایتی به طور ناروا نشود.

همان‌طور که بیان شد، بیمه‌نامه‌های دریایی تجاری متفاوت از سایر بیمه‌نامه‌ها تفسیر می‌شود؛ به این صورت که چون در این بیمه‌ها بیمه‌گذار به لحاظ اقتصادی و تخصص و قدرت مذاکراتی برابر با شرکت‌های بیمه است، لذا در قراردادهای بیمه دریایی تجاری فرض می‌شود که نیازی به اعمال دکترین ثانویه و حمایتی برای بیمه‌گذار نیست. هرچند این فرض همان‌طور که گفته شد قابل رد است؛ لیکن همان‌طور که در ماده ۱۴ آیین‌نامه مشاهده می‌شود، هیچ‌گونه تفکیکی بین این بیمه‌نامه‌ها و سایر بیمه‌نامه‌ها قائل نشده است و دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر را اصلی قابل تسری بر تمامی بیمه‌نامه‌ها به طور مطلق دانسته است. در صورتی که همان‌طور که در رویه قضایی کشورهای دیگر مشاهده شد، در تفسیر بیمه‌نامه‌های دریایی تجاری صرفاً از دکترین اولیه تفسیری استفاده می‌شود، مگر این‌که نابرابری در آن اثبات شود و در تفسیر بیمه‌نامه‌های کشتی‌های تفریحی و ماهیگیری که مالکان آن کشتی‌ها به لحاظ مذاکراتی، اقتصادی و تخصص مشمول نابرابری در برابر بیمه‌گر هستند، اعمال دکترین ثانویه



قابل اعمال به نظر می‌رسد.

### نتیجه‌گیری

دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر که در حقوق قراردادهای با عنوان «تفسیر علیه تنظیم‌کننده» شناخته می‌شود پیرو ویژگی الحاقی بودن قرارداد بیمه ایجاد شد و در مورد تمام انواع بیمه‌ها، دعاوی و بیمه‌ها و تقریباً در تمامی مواردی مصرف‌کنندگان عادی که درگیر یک قرارداد الحاقی هستند و درک کاملی از قرارداد ندارند اعمال می‌شد و به موجب این دکترین، در صورت وجود ابهام در قرارداد، ابهام به نحوی رفع می‌شود که به زیان تنظیم‌کننده باشد مبانی فلسفی دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر ظاهرگرایی حقوقی است. این دیدگاه، متن و ظواهر قرارداد را اولین و آخرین منبع تفسیر قرارداد می‌داند و از آنجایی که متن توسط بیمه‌گر تنظیم شده لذا در صورتی که نتوان ابهام را بر اساسی اصول سنتی تفسیر قرارداد و کشف قصد طرفین تفسیر کرد، باید آن را علیه بیمه‌گر تفسیر کرد. دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر، در دو شکل وجود دارد؛ شکل مطلق آن بر اساس ظاهرگرایی صرف است و بدون این که در مرحله اول تلاشی برای اعمال روش سنتی تفسیر قرارداد و کشف قصد طرفین شود و همچنین بدون نیاز به بررسی موضوعی مبانی نابرابری قراردادی بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار در صورت وجود ابهام اکیداً علیه بیمه‌گر تفسیر می‌شود؛ اما در شکل معتدل این دکترین، در راستای دیدگاه میانه و واقع‌گرایانه نخست تفسیر بر اساس اصول سنتی تفسیر قراردادها با هدف کشف قصد مشترک طرفین می‌شود و در صورت عدم رفع ابهام و اثبات وضعیت نابرابر قراردادی علیه بیمه‌گر و به نفع بیمه‌گذار تفسیر می‌شود؛ اما پیشنهادهای قابل طرح در این پژوهش به این صورت است که نخست، افزودن مقررات و قیودی کنترلی و نظارتی از جهت محتوا در مقررات و قوانین بیمه‌ای از سوی یک سازمان حکومتی یا دولتی در راستای مقابله با موقعیت بالقوه سوءاستفاده بیمه‌گر در قراردادهای استاندارد در انعقاد قراردادهای بیمه و اجباری و تحمیلی کردن نهادی همچون همیار بیمه‌گذار در جهت حمایت از بیمه‌گذاران غیرحرفه‌ای و همچنین، سیستم اجباری ارائه اعلامیه و یا

اطلاعیه‌های اضافی پیش از انعقاد قرارداد بیمه از سوی بیمه‌گر به بیمه‌گذار، در جهت بالا بردن اطلاعات بیمه‌گذار و برابری موقعیت قراردادی طرفین. ارائه اصول و شیوه‌نامه تفسیر قراردادهای بیمه از سوی اداره بیمه مرکزی به بیمه‌گران در جهت رعایت موارد اساسی و برای حمایت از بیمه‌گذاران غیرحرفه‌ای و شرح ضمانت اجرای عدم رعایت این اصول که می‌تواند همان دکترین ثانویه باشد. دوم، از آنجایی که در حقوق بیمه ایران تفسیر بیمه‌نامه‌ها به صورت خیلی مختصر و کلی در حد یک ماده بیان شده است، اعمال آن شیوه در همه وضعیت‌ها مناسب به نظر نمی‌رسد و چه بسا ممکن است موجب شکست بازار شود؛ لذا نگارنده این سطور پیشنهاد می‌کند که در تفسیر بیمه‌نامه‌ها آیین‌نامه‌ای تحت عنوان اصول و شیوه تفسیر قراردادهای بیمه تنظیم شود و در آن شرایط اعمال دکترین تفسیری بیمه‌نامه‌ها شرح داده شود.

### منابع

#### الف. فارسی

اخلاقی بهروز، امام فرهاد (۱۳۹۵) اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، تهران، نشر شهر دانش.

آقای، بهمن (۱۳۸۷) فرهنگ حقوقی بهمن، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.  
افتخار جهرمی، سارا (۱۳۹۳) قاعده استاپل و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

حمیدیان، حمید (۱۳۹۴) دکترین تفسیری در بیمه نامه‌های دریایی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

سربازیان مجید، رستم‌زاده سروش (۱۳۹۵) «مبانی و کارکرد اصل تفسیر علیه انشاکننده در حقوق قراردادها»، دوفصلنامه دانش حقوق مدنی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱-۱۰.

کوشا ابوطالب (۱۳۸۴) «اصل حداکثر حسن نیت در معاملات بیمه و نیم‌نگاهی به آن در عقود و قراردادها»، مجله دیدگاه‌های حقوقی قضایی، دوره ۱۰، شماره ۳۶ و

۳۷، صص ۴۹-۷۰.

موسوی، سید فضل‌الله و دیگران (۱۳۹۱) «مطالعه تطبیقی اصول تفسیر قرارداد»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۱۳-۱۸۳.

ب. انگلیسی

- Abraham, Kenneth S. (1996). A Theory of Insurance policy Interpretation, **Michigan Law Review**, Vol. 121, No.4, pp. 531-569.
- Burton, Steven J. (2009) **Elements of Contract Interpretation**, New York: Oxford University Press.
- D.k.Srurstrova. (1998) Modernization of Insurance Concepts in China”, **Canberra Law Review**, Vol. 4, No.1, pp.231-246.
- Dudi Shwartz (2008) ”Interpretation and Disclosure In Insurance Contracts”, **Loyola Consumrt Law Review**, Vol. 21, No. 2, pp.105-154.
- Ivamy, Hardy E. (1979) **Marine Insurance**, London: Butterworths.
- Fisher, James M. (1995) ”Why Are Insurance Contract Subject to Specail Rule of Interpretation: Texr Versus Context”, **Arizona State Law Journal**, No.24, pp.995-1067.
- Harof Watson (2006) **The Sophiticated Assured Exception To The Doctrine Of Contra Proferentem In Marine Insurance Law**, Newsletter, New York, Committee on Marine Insurance and General Avenge.
- Horton, Divid (2009) ”Flipping The Script Contra Proferentem And Standard Form Contracts”, **University of Coloardo Law Review**, Vol. 80, pp.1-46.
- Miller, David S. (1998) ”Insurance As Contract: The Argument For Aboning The Ambiguity Doctrine”, **Columbia Law Review**, Vol. 88, No. 8, pp.1849-1872.
- Mustill, Sir Michael J. Gilman, Jonathan C.B. (ed) (1981) **Arnould’s Law of Marine Insurance And Average**, London: Steven & Sons.
- Spicer, Whye W. (1991) ”CH-CH-CHanges: Stumbling Towards The Reasonable Expection of The Assured in Marine Insurance”, **Tulane Law Review**, Vol. 66, pp. 457-477.
- Swisher, Peter N. (1991) ”Judicial Rationales in Insurance Law: Dusting Off the Formal for the Function”, **Ohio State Law Journal**, Vol: 52, No. 4., pp. 1037-1074.
- Swisher, Peter N. (1996) ”Judicial Interpretation of Insurance Contract Disputes: Toward a Realistic Middle Ground Approach”, **Ohio State**

**Law Journal**, Vol.57, pp. 543-636.

Torbert, Preston M. (2014) **A Study of the Risks of Contract Ambiguity**, Master degree, University School of International Law.

Martorana, Vincent R. (2014) **A Guide to Contract Interpretation**, 1<sup>st</sup> Ed. London: ReedSmith.

Ware, Stephen J. (1998) "A Critique of the Resonable Expectation Doctrine", **The University of Chicago Law Review**, Vol. 56, No. 4, pp.1461-1493.

Wilkerson, Jared (2011) "Adjudicating Insurance Policy Disputes: A Critique of Professor Randall's Proposal to Abandon Contract Law", **Loyola Consumer Law Review**, Vol. 23, No.3, pp. 294-357.

#### **Document and Cases:**

**Adrian Associates, General Contractors v. National Surety Co.** 638 S.W.2d 138 (rex. Ct App. 1982).

**Atlantic Ca. Ins. Co. v. Value Waterproofing, Inc.** 918 F.Supp.2d 243, S.D.N.Y. 2013. January 15, 201

**A/S Ocean v. Black Sea & Baltic General Ins. Co Ltd.**[1935]51 LL.L.Rep.305(A.C).

**Birrell v. Dryer**[1884]9 App.cas.345(H.L.)(appeal taken from Scot).

**Gibson v. Government Employees Ins. Co.** 208 Cal. Rptr. 511, 516 (Ct. App. 1984).

**Garcia v. Exhibition Foods**, (1986)184 Cal.App.3d.

**Hart v. Standard Mar. Ins. Co.**(1889) 22 Q.B.D.499

**Marine Trasit Crop v. Nothwestren Fire & Marine Ins. Co**, 2F. Supp.489.492(E.D.N.Y.1933).

**Munn v. Illinois**, 94 U.S. 113, 126 (1876) (citing I Hargrave Law Tracts 78 (1787).

**Olin Corp. v. American Home Assur. Co.** 704 F.3d 89 C.A.2 (N.Y.), 2012. December 19, 2012.

**Pittson Company Ultrama America v. Allianz Insurance Company**, 124F.3d 508(3d Cir.1997).

**Senior Housing Capital, LLC v. SHP Senior Housing Fund, LLC** Not Reported in A.3d, 2013 WL1955012 Del.Ch.2013